زیور طبع نزاری

(جایگاه بدیع در دیوان حکیم نزاری قهستانی)

استاد گاه:
رحیم سلامت آذر

پیام فروغی راد

13-08-1612:44:48 È.Ù
www.ketab.ir

سرشناسه:سلامت آذر ،رحیم،۱۳۵۵
عنوان ونام پدیدآور : زیور طبع نزاری(جایگاه بدیع در دیوان حکیم نزاری قهستانی)به کوشش رحیم سلامت آذر –پیام فروغی راد–ویراستارجعفر عشقی
مشخصات نشر: اردبیل : محقق اردبیلی ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری: ۱۸۲ص
شابک ۵-۲۹۵-۳٤٤-٦۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه :ص۱۷۳
عنوان دیگر:جایگاه بدیع در دیوان حکیم نزاری قهستانی
موضوع:نزاری قهستانی،سعدالدین بن شمس الدین ٦٤٥-۷۲ق
موضوع:نزاری قهستانی،سعدالدین بن شمس الدین٦٤٥-۷۲ق دیوان –نقد وتفسیر
موضوع: شعر فارسی—قرن ۸ق تاریخ ونقد
موضوع:بدیع-- فارسی
شناسه افزوده:فروغی راد،پیام،۱۳٦٦
شناسه افزوده: نزاری قهستانی،سعدالدین بن شمس الدین ،٦٤٥-۷۲ق .دیوان .شرح
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۲ز ۸ PIR
رده بندی دیویی: ۸فا۱۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۹۰۸۸۱

13-08-16 12:44:48 È.Ù
www.ketab.ir

نام کتاب: **زیور طبع نزاری(جایگاه بدیع در دیوان حکیم نزاری قهستانی)**

مولفان: دکتر رحیم سلامت‌آذر-پیام فروغی راد

ناشر: محقق اردبیلی
ویراستار: جعفر عشقی
لیتوگرافی ،چاپ وصحافی : شیران نگار
شمارگان:۱۰۰۰ نسخه
نوبت و سال چاپ:اول/ ۱۳۹۵
قیمت:۲۵۰۰۰۰ ریال
شابک۵-۲۹۵- ۹۷۸-٦۰۰-۳٤٤
آدرس: اردبیل سه راه دانش بازار معطری طبقه فوقانی پلاک۸ تلفن۳۳۲٤۰۰۸۱

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

فصل یکم .....

زندگانی،احوال،افکاروآثارحکیمنزاری قهستانی ۸

مذهب نزاری وجست‌وجوی بنیاداندیشه وراه خیال او ۱۶

فصل دوم ۲٤

دیباچه‌ای برعلم بلاغت ۲٤

تاریخچهٔعلم بلاغت ۲٦

بلاغت ایرانی ۳۲

فصل سوم ۳٤

بدیع ۳٤

الف- بدیع لفظی ۳۵

اعنات ۳٦

ترصیع ٤۰

تشابهال اطراف ٤۲

تضمین ٤۳

تضمین المزدوج = ازدواج = اعنات القرینه ٤٤

تکرار ٤٦

تجنیس(جناس) ۵۱

13-08-1612:44:48 È.Ù
www.ketab.ir

جناس تام ٥٦
جناس خط یامُصَحَّف ٥٨
جناس زاید ٦٠
جناس لاحق ومضارع ٦٤
جناس لفظی ٦٨
جناس مرکّب ٧٠
جناس مُکرّر ٧١
جناس مُزدَف ٧٢
جناس ناقص ٧٤
ردالصدرإلی الابتدا ٧٦
ردالصدرإلی العروض ٧٧
ردالصدرإلی العجز ٧٧
ردالعجزعلی الصدر ٧٩
ردالقافیه ٨١
ردالمطلع ٨٣
سجع متوازی ٨٥
سجع متوازن ٨٦
سجع مطرّف ٨٧

www.ketab.ir
13-08-1612:44:48 E.U

طردوعکس ۸۷
قلب مطلب ۸۹
قلب یامقلوب ۸۹
مقیاس‌های شاعرانه ۹۱
ملمّع ۹۱
موازنه = مماثله ۹۲
ب- آرایه‌های معنوی ۹٤
ابداع ۹٤
ادماج ۱۰۱
ارسال المثل = مثا ۱۰۱
ارصادوتسهیم ۱۰٦
استتباع ۱۰۸
استثنای منقطع ۱۰۹
استخدام ۱۰۹
استدراک ۱۱۰
اِضراب ۱۱۱
اِعداد ۱۱۲
مبالغه واغراق ۱۱٤

13-08-1612:44:48 E.U
www.ketab.ir

اقتباس ۱۱۹
التفات ۱۲۶
ایضاح بعدازابهام ۱۲۷
ایهام= توریه ۱۲۷
ایهام ترجمه ۱۳۱
ایهامتضاد ۱۳۲
ایهامتناسب ۱۳۵
پارادوکس ۱۴۲
تبادر ۱۴۳
تجاهل العارف ۱۴۴
تجرید ۱۴۵
مطابقه = تضاد = طباق ۱۴۸
تفریق ۱۵۱
تفویف ۱۵۱
تقسیم ۱۵۳
تلمیح ۱۵۴
تنسیق الصفات ۱۷۳
جمع ۱۷۵

13-08-1612:44:48 È.Ù
www.ketab.ir

حرف گرایی ۱۷۵
حسن تعلیل ۱۷۵
حسن مطلع ۱۷۷
رجوع ۱۷۹
سؤال وجواب ۱۸۱
لف ونشر ۱۸٤
مذهب کلامی ۱۸۸
مراعات نظیر = تناسب = مؤاخات ۱۸۹
سخن آخر ۱۹۳
کتابنامه ۱۹۷

13-08-1612:44:48 È.Ù
www.ketab.ir

مقدمه

حکیم سعدالدین بن شمس‌الدین بن محمّد نزاری بیرجندی قهستانی[1] از شاعران معروف قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. عنوان «حکیم» از زمان زندگانی او برای وی به کار می‌رفت و شاعر در دو بیت ذیل به این مطلب اشاره می‌کند:

ز نادانی نزاری را گروهی — چنان دانند کو مرد حکیم است
ولی من خویشتن را نیک دانم — ز حکمت‌ها دلم اندک علیم است

نام وی در «مجمل فصیح خوافی» - که قدیم‌ترین مأخذ دربارهٔ اوست - «سعدالدین» است و او خود نیز در این باره اشارات صریح دارد:

جام جم سعد دین، نزاری این است — با هم‌نفسی که دَم برآری، این است
ای یار! طمع مکن بدین جام لطیف — می نوش و خموش باش! باری این است

***

ز سیارات گردون چند گویم — ازو گویم که «سعد» از فرّ اویم
سعدی ای کند یا سعد [illegible] — که نام است و هم شیراز و هم شاه

***

بیا شبی و در آغوش و در کنارم گیر — که بیش طاقت ازین نیست بی تو «سعدو» را

و در چند مورد از دست‌نویس کلیات نزاری، مورخ به سال ۸۳۷ هجری - که در موزهٔ لنینگراد محفوظ است - نیز نام شاعر، «سعدالملة والدین نزاری القهستانی» ضبط شده و این هم مانند قول فصیح خوافی از جملهٔ قدیم‌ترین اقوال و نزدیک‌ترین آنها به زمان حیات شاعر است. بنابراین، مقدمات سخن تقی‌الدین محمّد حسینی کاشانی در خلاصة‌الاشعار، و گفتار خاورشناسانی که به قول او استناد کرده‌اند و نام او را «نعیم‌الدین» و «نسیم‌الدین»

۱- برگرفته از کتاب تاریخ ادبیات ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، جلد سوم، بخش دوم.

13-08-1612:44:48 È.Ù
www.ketab.ir

نوشته‌اند، باطل است. اسم پدرش را جمال‌الدین نوشته‌اند لیکن بی‌تردید «شمس‌الدین» است. زیرا شاعر خود بدان اشاره کرده و گفته است:

شمسِ دین بن محمّد پدرم طاب ثراه — یاد می‌دارم ازو، گفت که در عهد شباب
دارم ای خواجه سؤالی، به معبّر گفتم، — سَرِ تعبیرت اگر هست بفرمای جواب
شعر می‌گویم در واقعه بسیار و لیک — باز گفتن نتوانم چو درآیم از خواب
گفت استاد معبّر که اگر گوش کنی — من ترا مژده دهم مژده‌ای ازمحض صواب
پسری شاعر مشهور جهانت باشد — که نثار از صدف سینه کند دُرّ خوشاب

پس، با توجّه به آنچه گفته شد، نام و نسب صحیح نزاری، همان است که در آغاز این مقال آورده‌ایم امّا «نزاری» که شاعر، آن را در همهٔ اشعار خود به صورت عنوان شاعری یا تخلّص به کار برده است، در حقیقت، عنوان خانوادگی اوست که شاعر آن را در لقب و تخلّص شعری، استفاده کرده است و این که بعضی تصوّر کرده‌اند شاعر به سبب لاغر و نزار بودن، چنین نامی اختیار کرده است، درست نیست. تقی‌الدین کاشی گوید: امّا وجه تخلص نزاری: چنین آورده‌اند که نزاری لاغر بوده و نزاری بدان جهت تخلص نموده. بعضی دیگر گفته‌اند که نزار از جملهٔ خلفای اسماعیلیه است و حکیم مرید او شده و در اعتقاد فاسده شیوهٔ ایشان داشته و بدین سبب، نزاری تخلص ساخته، و در طعن او سخنان گفته‌اند، و فی‌الواقع اگر او را این اعتقاد بوده، طعن به جای خود است؛ اگرچه از سخنان او این طریق باطل معلوم می‌شود. زیرا که تعریف شراب و اباحت آن بسیار کرده». پس این فرض که سعدالدین به سبب اعتقاد به «نزار فاطمی» یا به علّت انتساب به وی، عنوان «نزاری» را انتخاب کرده است، از قدیم شیوع داشت و نباید به برخی از تعبیرات شاعر که صفت «نزار»، یعنی پژمرده و لاغر را دنبال اسم خود آورده است، فریفته شد. زیرا آوردن چنین کلمه‌ای بعد از تخلّص «نزاری»، بیشتر، از باب جناس، و نه وصف حال واقعی گوینده است.

www.ketab.ir
13-08-1612:44:48 E.U

اینک باید بدانیم، به همان نحو که پیش از این اشاره کرده‌ام، «نزاری» که به صورت تخلّص گوینده در اشعارش به کار رفته، عنوان خاندان اوست و او پسر عمّی هم‌نام خود (یعنی به نام سعدالدین) داشته که او هم عنوانْ «نزاری» داشت و در دربار شاهان آل کرت، صاحب مقامی ارجمند بود و «سعد اکبر» خوانده می‌شد و بعید نیست که او را در مقام مقایسه با شاعر و به سبب آن که گویا به سال از پسرعمّش بزرگ‌تر بود، «اکبر» لقب داده بودند. به هر حال، نزاری به نام این پسرعمّ در اشعار خویش اشاراتی دارد و از آن جمله در سفرنامهٔ خود می‌گوید:

مرحبا ای نسیم جان‌پرور — صاحب خلوت و رفیق سفر
بر قهستان کن از کرم گذری — سوی احباب بر ز من خبری
برسان سعدالدین نزاری را — از سَرِ لطف و راه یاری را

و بار دیگر در خطاب به این عمّزاده می‌سراید:

ای برادر جان نزاری [illegible] من و تو آخر عنان‌گیر یکدگریم
تو سعدالدین نزاری و من نزاری [illegible] به یار گار چرا نام یکدگر نبریم

و بار دیگر در سفرنامه دربارهٔ این سعدالدین و مقام و مرتبه‌اش در دربار آل کرت گفته است:

خواجهٔ کامکار، سعدالدین — نایب کشور و زمان و زمین
سعد اکبر لقب نهادندش — ملک دنیا و دین بدادندش

پس مسلّم است که «نزاری»، تنها عنوان شاعر نبوده بلکه در خاندان وی برای دیگر افراد نیز به کار می‌رفته است. منتها شاعر از آن به صورت تخلّص شاعرانهٔ خود نیز استفاده کرده و آن را بارها در اشعار خود و علی‌الخصوص در پایان غزلیاتش آورده است و این

13-08-1612 44:48 E.U
www.ketab.ir

عنوان نزاری هم بی‌تردید به سبب انتساب یا اعتقاد این خاندان به «المصطفی لدین الله»، مشهور به «نزار»، پسر المستنصر بالله فاطمی و برادر المستعلی بالله ابوالقاسم احمد بوده است.

از میان قدما، نزدیک‌ترین کس به دورهٔ نزاری که این مشکل را برای ما حلّ می‌کند، فصیح خوافی است که در ذیل حوادث سال ۷۲۱ هجری می‌گوید: «حکیم نزاری قهستانی، شاعر و لقب او سعدالدین بود و او از بیرجند است، از نسل علاءالدین ملحد، و مرید نزار بن مستنصر اسمعیلی بود» و از این‌جا چنین برمی‌آید که یا نیاکان شاعر به سبب ارادت به المصطفی لدین الله، مشهور به «نزار»، این نسبت را اختیار کرده بودند یا آن که خود را از اعقاب او می‌دانسته‌اند. در کتاب هدایه‌المؤمنین، معروف به «تاریخ اسمعیلیه»، آمده است که نزاری در قهستان از جملهٔ داعیان اسماعیلیه بود. معلوم نیست که نزاری، عنوان داعی داشته است. زیرا دستگاه تبلیغاتی اسماعیلیهٔ ایران در دوران زندگانی او زیر و زبر شده بود و او و خاندانش در آن گیر و دار، در بیرون کشیدن گلیم خود از آب، هنر دیگری نمی‌توانستند نشان دهند. لیکن این نکته مسلم است که او و خاندانش از جملهٔ معاریف و وجوه فرقهٔ اسماعیلیه در قهستان بوده و به همین حال نسبت اولویت و پیشوایی داشته‌اند و به همین جهت، چنان که پیش از این دربارهٔ پدر عمّش سعدالدین، معروف به سعد اکبر دیده‌ایم، در خراسان شهرت و اهمیتی داشته و در دستگاه آل صابرت، موجّه و معزّز بوده‌اند و نزاری نیز از این حرمت و بزرگ‌داشت بی‌بهره نبود.

ولادت نزاری در اواسط قرن هفتم و نزدیک به سال ۶۵۰ هجری اتفاق افتاد؛ یعنی مقارن تاریخی که هولاکوی مغول برای اتمام فتح ایران و برانداختن اسماعیلیان مأمور شده بود. با این حال، خاندان نزاری بر مذهب خود باقی مانده و شمس‌الدین بن محمّد، پدر شاعر ـ که مدّتی از دوران شاعری پسر را نیز درک کرده بود ـ به تربیت او همّت گماشت و او را به «اثبات امامت اهل بیت(ع) و به پیروی از آنان معتقد کرد» و شاعر در جوانی، ادبیات و علوم متداول زمان را در قهستان فراگرفت و در عین حال، ایام جوانی را به

www.ketab.ir
13-08-1612 44.48 È.Ù

عشرت و می‌خوارگی گذرانید و این عادت به می‌خوارگی را جز در ایامی معدود، همواره ادامه داد.

نزاری از عهد شباب به خدمات دیوانی پرداخت و همراه یکی از عمّال دیوان و به معاونت او در سه‌شنبه، غرّهٔ شوّال ۶۷۸ از شهر تون به جانب اصفهان روانه شد و از آن‌جا به تبریز رفت و به رکاب شمس‌الدین صاحب‌دیوان جوینی پیوست و او را چند بار مدح گفت و هم در رکاب او از تبریز به ارّان و گرجستان و ارمنستان و باکو و از آن‌جا به اردبیل و ابهر رفت و سپس سفر دوسالهٔ خود را خاتمه بخشید و به قهستان بازگشت و در آن‌جا ساکن شد و تأهّل گزید که حاصل این تأهّل، سه پسر بود به نام‌های محمّد، شهنشاه و نصرت. نزاری همچنان به خدمات دیوانی ادامه داد و حتی چنان که از اشعارش برمی‌آید، وزارت گریه‌ای یافت ولی بعد از چند گاهی هم از دیوان طرد شد و به مصادرهٔ اموال دچار گردید. بار دیگر هم را در انزوا گذراند و به جای تعهّدِ اعمال دیوانی و شاعری به دهقانی توجّه کرد.

وفات او را فصیح خوافی [illegible] سال ۷۱۱ ضبط کرده است [illegible] اقوال دیگر از آن جمله قول تقی‌الدین کاشی در [illegible] الاشعار، وفات او را به سال ۷۲۰ اتفاق افتاده و در شهر بیرجند به خاک سپرده شده است.

از آنچه گذشت، تعلق نزاری به فرقهٔ اسماعیلیه و حتی اگر درست استنتاج کرده باشیم، به خاندان پیشوایان صَباحیه و نزاریه، مسلّم می‌شود و همچنان که دیده‌ایم، این تعلّق به حدّی است که فرقهٔ نزاریه در آثار خود، او را از داعیان اسماعیلیه شمرده‌اند و با آن که نزاری به آثار خود جنبهٔ مذهبی و اعتقادی نداده و به قول قدما بیشتر به خمریات پرداخته است، در دیوان او به اشاراتی که گویای اعتقاد مذهبی اوست، بازمی‌خوریم.

نزاری علاوه بر شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان که در سفر تبریز به خدمت او رسیده و از او تربیت و انعام یافته، بعضی از رجال سیستان و خراسان و مخصوصاً سلاطین کرت را نیز در اشعار خود ستوده است.

13-08-1612 44 48 È.Ù
www.ketab.ir

کلیات دیوان نزاری مشتمل است بر قصاید، غزل‌ها، ترکیبات، ترجیعات، مقطعات، و مثنوی‌های دستورنامه (به بحر متقارب)، ادب‌نامه (بر همان بحر)، سفرنامه (به بحر رمل مسدّس مقصور) و ازهر و مزهر (بر وزن و به تقلید از شیرین و خسرو)، مثنوی مناظرهٔ روز و شب و مکاتبات منظوم. مرتبهٔ وی در شاعری، متوسط و در آثارش اشعار خوب و سست بسیار در پی هم می‌آید؛ یعنی غَثّ و سمین فراوان دارد و شاید علت این امر، اصرار نزاری بر ساختن اشعار ساده و روان باشد که گاه مبالغه در این امر به سست کردن ابیات می‌انجامیده است.

جامی در بهارستان مدّعی است که حافظ شیوهٔ نزاری را تتبّع کرده است و این به نظر بعید می‌آید و جز استقبال از چند غزل نزاری، اثر دیگری از او در اساس و بنیاد سبک حافظ ملاحظه نمی‌کنیم و در عوض، نزاری، خود، اشعاری را از خاقانی و سعدی چندین بار استقبال کرده و جواب گفته است.

اینک دو نمونه از غزلیات او:

13-08-1612 44.48 E.U
www.ketab.ir

باکسا[illegible] متعالی[illegible] ای در[illegible] سال و پرورد[illegible] ما
از رحمتِ تو کم نشود گر به فضلِ خویش — منت نهی و عفو کنی سیئاتِ ما
دورانِ شرّ و فتنه و طوفانِ حیرت است — ظلمت حجابِ راه شد از شش جهاتِ ما
نوحِ عنایتِ تو به کشتی مغفرت — سعی‌ای کنا[illegible] گر به خلاص و نجاتِ ما
آلایشی که رفت به آبِ کرم بشوی — تنزیه ذاتِ پاک[illegible] دارد نه ذاتِ ما
مقصود ما حصولِ رضا و جوارِ تست — ورنه چه بیش و کم ر[illegible]یات و مماتِ ما
بی یادِ تو اگر نفسی می‌رود هباست — آری خلاصه یک نفس است از حیاتِ ما
هم تو دهی ز عقدهٔ تقلیدمان خلاص — ور نه زمانه حل نکند مشکلاتِ ما
ما را ز هول زلزلتُ الارض باک نیست — حفظ تو بس معاونِ ما و ثباتِ ما
یک جرعه گر ز جامِ تو در کامِ ما چکد — تا روزِ حشر کم نشود مسکراتِ ما
توفیق ده که نامِ نزاری رود به خیر — بر یادِ دوستانِ تو بعد از وفاتِ ما

(دیوان غزلیات، غزل ۱)